



درس هفدهم

کار و تلاش



به راهی در، سلیمان دید ^{مورچه} موری
به زحمت، خویش را هر سو کشیدی

ز هر گردی، برون افتادی از راه
چنان بگرفته راه ^{تلاش} سعی در پیش
به تندی گفت: «کای مسکین نادان
^{که رای بی چاره} از این راه

بیا زین ره، به قصر پادشاهی
چرا باید چنین ^{کنایه از عصبه خوردن} خونابه خوردن
زه است اینجا و مردم ^{می گذرند} رهگذارند

مکش پیوده این بار گران را

که با پای ملخ می کرد زوری
وزان ^{بار سنگین} بار گران، هر دم ^{هر لحظه} خمیدی

ز هر بادی، پریدی چون پرگاه
که فارغ گشته ^{بی خیر شده} از هر کس، جز از خویش
چرایی فارغ از ملک ^{قلمرو - سرزمین} سلیمان؟

بخورد در سفره‌ی ما، هر چه خواهی

تمام عمر خود را بار بردن

مبادا بر سرت پایی گذارند
^{اذیت نین}

میازار از برای جسم، جان را»

حش نوهمانی

بگفت: «از سور، کمتر گوی با مور
نیفتد با کسی ما را سر و کار

مرا امید راحت هاست زین رنج
اگر تو سعادتمند
گرت همواره باید کامکاری

مرو راهی که پاست را بیندند
هنظام تصمیم گیری - چاره جویی
که تدبیر، عاقل باش و بینا
دُر کنایه از جوانی
بلکوش اندر بهار زندگانی

راضی شدن به اندک

که موران را، قناعت خوش تر از سور
غذا - آذوقه
که خود، هم توشه داریم و هم انبار

من این پای ملخ، ندهم به صد گنج
ز مور آموز، رسم بردباری
صبر

داناان
مکن کاری که هشیاران بخندند
راه روز را مسیار
و اندازنن
زینت دادن - زیبا کردن
که شد پیرایه پیری، جوانی

پروین اعتصامی





- ۱ بار سنگین، پشت مور را خمیده کرده بود. درست
- ۲ حضرت سلیمان رفتار مورچه را تحسین کرد. نادرست
- ۳ مورچه، بُردبار و قانع بود. درست

درک مطلب



- ۱ سلیمان، مور را از چه اتفاقی ترساند؟ مبارز عابران او را لگد کنند
- ۲ وقتی که سلیمان مور را دید، او به چه کاری مشغول بود؟ بای ملخی را حمل می کرد
- ۳ چرا مور دعوت سلیمان را نپذیرفت؟ او اهل تلاش و قناعت بیسته بود
- ۴ چه زمانی برای تلاش و کوشش مناسب است؟ جوانی
- ۵ مور، چه کاری را بهتر می دانست؟ قناعت
- ۶ شما با نظر مور موافقید یا سلیمان؟ دلیل بیاورید. مور، زیرا با تلاش خود آرزوی لذت بخش خود را
- ۷ پیام اصلی داستان چه بود؟ صبر و بردباری در کارها



ترتیب واژه‌ها در جمله

به ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها در جمله‌های زیر، توجه کنید :

- | | |
|---|---|
| <p>از هر گردی، از راه، بیرون می‌افتاد. </p> <p><u>فعل</u></p> | <p>سلیمان در راهی، موری دید. </p> <p><u>فعل</u></p> |
| <p>از این راه، به قصر پادشاهی بیا. </p> <p><u>فعل</u></p> | <p>آن چنان، راه سعی در پیش گرفت. </p> <p><u>فعل</u></p> |

اکنون ترتیب قرار گرفتن همان واژه‌ها را در حالت شعر ببینید.

👤 به راهی در، سلیمان دید موری ^{نعل}
👤 زهر گردی، برون افتادی از راه ^{نعل}
👤 چنان بگرفته راه سعی در پیش ^{نعل}
👤 بیا زین ره به قصر پادشاهی ^{نعل}

همان گونه که در این نمونه‌ها دیدید، در شعر، جای واژه‌ها تغییر کرده است. یعنی نظم و ترتیبی که در نوشته‌ی عادی داشتند، در شعر رعایت نشده است. ترتیب ساده‌ی قرار گرفتن واژه‌ها، در نثر، مانند نمونه‌ی زیر است.



اما در شعر، ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها، دگرگون می‌شود:

به طور مثال:





داستان درس «کار و تلاش» را به صورت نمایش در کلاس اجرا کنید. برای اجرای مناسب و جذاب‌تر، لازم است به نکات زیر، توجه شود:

۱ **صحنه پردازی:** فضای مناسب برای اجرا و تناسب آن با محتوا، طراحی شود.

۲ **انتخاب نقش:** پس از بررسی و بازخوانی داستان، یکی از شخصیت‌ها را انتخاب کنید.

۳ **اجرای نمایش:** پس از تعیین نقش، هر فردی با رعایت ویژگی‌های شخصیت مورد نظر، مسئولیت خود را به نمایش می‌گذارد.

۴ **نقد و بررسی:** پس از پایان نمایش، درباره‌ی چگونگی اجرای نقش هر فرد، در گروه بحث و گفت‌وگو شود و سرانجام جمع‌بندی مباحث، ارائه گردد.